

از کوچه‌های زمین تا
باغ‌های آسمان

پدیدآور:

علی سوری

- سرشناسه : سوری، علی، ۱۳۳۹ -
- عنوان و نام پدیدآور : از کوچه‌های زمین تا باغ‌های آسمان / نویسنده علی سوری.
- مشخصات نشر : همدان: حماسه ماندگار، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۶ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۵۷۱-۹ : چاپ دوم
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : چاپ قبلی: اقلیم دانش، ۱۳۹۶.
- موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
- موضوع : -- Martyrs -- Diaries ۱۹۸۸-۱۹۸۰ Iran-Iraq War,
- موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
- موضوع : -- Martyrs -- Biography ۱۹۸۸-۱۹۸۰ Iran-Iraq War,
- رده بندی تکره : DSR۱۶۱۰۰
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲ :
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۰۲۶۰
- اداره کل حفظ آثار و نشرات ایستاده های دفاع مقدس استان همدان
- عنوان: از کوچه‌های زمین تا باغ‌های آسمان.
- مجری طرح: مدیریت ادبیات و انتشارات
- ناشر: حماسه ماندگار
- مؤلف: علی سوری
- ویرایش: محمد برخوردار
- طراح جلد: سهیل محمدی
- صفحه آرا: کتاب کلک
- ناظر چاپ: محمد برخوردار
- شمارگان: ۵۰۰ جلد
- نوبت چاپ: دوم - زمستان ۱۳۹۸
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۵۷۱-۹-۱

آدرس: همدان - بلوار بعثت نرسیده به استانداری بین خیابان شکریه و هنرستان تلفن: ۰۸۱۳۸۲۷۹۰۰۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

پیش سخن!

«کجائید ای شهیدان خدائی بلاجویان دشت نینوائی»

یک روز با خودم نشستم و گفتم: کم‌ترین کاری که از من ساخته است و می‌توانم در باره شماری از شهیدان شهرمان بکنم، این است که شمه کوتاهی از زندگی و روش و منش آنان بنویسم و به یادگار بگذارم تا هم دینی از دوش خود برداشته باشم، هم نام و یاد آن پرکشیدگان، بیش‌تر سر زبان‌ها باشد. چرا که شهیدان، به خاطر دین و دنیای ما رفتند و جان شیرین خود را فدا کردند!

اما در باره آنان نباید دروغ شت. چیزی باید گفت و نگاشت که آدم با چشم خودش از آن‌ها دیده یا از آدم راستگویی شنیده است. زیرا آنان، از راستان بودند و نیازمند دروغ‌بافی و دروغ‌پردازی دیگران نیستند.

بزرگی گفته است: «آنان که رفتند، کاری حسنی کردند و آنان که ماندند، باید کاری زینبی کنند، وگرنه یزیدی‌اند.» پس اکنون که از است ما برمی‌آید که در حد توان آنان را به آیندگان بشناسانیم، چرا نکنیم؟ فردا روزی که بناست به آن پاره‌پیکران ببیندیم و چشمان به چشمان بیند، از ما نخواهند پرسید، چرا یادی از ما نکردید؟ در آن صورت، آیا حرفی برای گفتن داریم تا دستاویزی شود که آن آبرومندان، میان ما و پروردگاران پادرمیانی کنند و دستان را در هول و هراس قیامت بگیرند؟

هر آنچه این ناچیز، در آیین نوشتار در باره چندین شهید، آزاده و جانباز
سفر کرده قلمی کرده است، دروغ و گزافه نیست، راست و بی کم و کاست
است. باشد که مقبول خوانندگان و جویندگان ارجمند قرار گیرد، ان شاء الله.

مثنوی^۱

دو شم دوستان، باری گران بود
که تن، از بردن آن، ناتوان بود
ز خوبانی شریف و پاکدامن
که بودند آشنا یک روز با من
چه از آردگانی رزمجویان
چه پرپرگشته‌ها یعنی شهیدان
بویژه از شهدای نه‌شمار
که مهمان‌اند در نزد خداوند
دلم می‌خواست کاری کرده باشم
گلی زان بوستان آورده باشم
به خود گفتم قلم بردار بجویس
از آن پروانگهان باغ پردیس
نو شتم اندکی در این زمین
بخشا ای خدا، بر این کمینه
خدا را خواندم و فریاد کردم
در این دفتر از آنان یاد کردم
«سلیمانی»، «ابوالفتحی»، «رسولی»
بسم الله هر یکی مهر قبولی
چهارم «ناصری»، پس «طالبیان»
دو تن فریخته، در رزم و زندان
ششم «محمود شیراوند» آمد
در این دفتر، به یاد نام سرمد
دگر «گودرزی» و «شهبازی» شاد
ز «کولیوند» هم چون یاد کردم
پس آن گه گم‌نشان، «فرهاد سوری»
فزودم بر شهیدان نه‌اوند
به فرهنگ اسناد، گردان آزاد
دل افسرده‌ام را، شاد کردم
که مامش مُرد و رفت از داغ دوری
ز قزوین، «صادق» و «داوود» دلبند

^۱. سروده، از نگارنده است.

دگر شبه شهیدان، «بوترابی»
 ز خوزستان، دو سردار گرامی
 ز تهران، «آز»، آن مرد هنرمند
 یکایک نامشان را برده‌ام نیک
 تو بدانی خداوندا که «سوری»
 آمدن آن که در روز قیامت
 سر آزادگان انقلابی
 «حبیب» و «طاهری»، مردان نامی
 که بودش با خدا، پیمان و پیوند
 ارادتمندشان از دور و نزدیک
 به سر دارد از این خوبان، چه سوری
 شود این نامه، اسباب شفاعت

www.ketab.ir